

یادداشت روز

سینمای زنانه فجر

■ مسعود کارگر

چهل سال از عمر جشنواره فجر می‌گذرد که در ادوار مختلف آن نقش زنان در کارگردانی، بازیگری و روایت آثار پر رنگ بوده و در اکثر دوران موجودیتی نداشته است. در طول این سال‌ها سینماگرانی سعی کردند از زوایای مختلف به نقش، حقوق و چالش‌های زنان بپردازند اما یا کافی نبوده و یا به خوبی دیده نشده است.

عمده آثار پرداخته شده در این حوزه که تا حدودی دیده هم شده است توسط سازندگان زن ساخته و با جسارت آن‌ها به موضوعاتی ورود شده که شاید همیشه خط قرمز سینما بوده و برخوردهای قهری با آن شده است.

سینمای ایران و حتی در مقاطعی جهان، با یک تاریخ و رزمه‌ای مردانه حضور پر رنگ داشته و هویت پیدا کرده است و این سلحشوری برخی زنان بوده که با جسارت فراوان برای احقاق حقوق زنانه قیام کرده‌اند و سعی در کلیشه زدایی و قبح شکنی کاذب داشته باشند.

این سلحشوری و جسارت اما کافی نبوده و وقتی به آثار این حوزه و سازندگان نگاه می‌کنیم با اقلیتی مواجه می‌شویم که این اقلیت شاید بتوان گفت تنها سربازان جنگ ادراک در این وادی هستند. از جمله کارگردان‌هایی که این شجاعت را داشته و خط شکن شده است، پوران درخشنده می‌باشد که در دهه هشتاد توانست خط ملودرام‌های عاشقانه کلیشه‌ای را بشکند و مدیون جدیدی در این حوزه ارائه کند. در آن دهه البته بودند کارگردان‌هایی همچون رخشان بنی‌اعتماد و ته‌مین میلانی که به حوزه زنان و خانواده ورود کردند.

پس از درخشنده، این نرگس آبیبار بود که خودش را با «شیار ۱۴۳» به رخ همگان کشید و در این مسیر قد علم کرد، مسیری مفهومی و تبیینی برای دفاع از جایگاه زنان و نقش مهم آن‌ها در رخداد‌های مهم و سرنوشت‌ساز که با ارائه گزاره‌ای مبنایی موجب تفکر و تأمل در مخاطب پس از دیدن آثارشان می‌شدند.

چندسالی هست که یک نام جدید در این عرصه به چشم می‌آید به نام قیدی، منیر قیدی یک کارگردان نو ظهور در این عرصه است که با فیلم ویلایی‌ها توجه را به خودش جلب نمود و در فجر چهلم با اثر جدید دست‌دختران خودش را تثبیت کرده و به عالم سینما معرفی نموده، که بگوید روایت از زنان و دختران صرفاً در ملودرام‌های عاشقانه شهری و اجتماعی خلاصه نمی‌شود و دغدغه در این عرصه یک دغدغه دم دستی و کلیشه‌ای نیست و دختران و زنان را می‌شود در ابعاد دیگری دید و به آن‌ها پرداخت، ابعادی که فرای قالب زندگی روزمره و در دل تاریخ نهفته است. تاریخی که روایت‌گر نقش اصلی زنان در تحولات و اتفاقات مهم بوده و ارائه آن در سینمای ایران مقفول مانده است.



مروری بر حواشی
روزهای نخست جشنواره فیلم فجر
اتفاقات چندروز گذشته
فجر چهلم

روز نخست، افتتاحیه

بیرو - مردبازنده

چهار روز از برگزاری چهلمین دوره فیلم فرج در برج میلاد گذشت. اما در همین مدت کوتاه حواشی و اتفاقات گوناگون از چشم اهالی رسانه دور نماند. طبق برنامه نمایش فیلم‌ها در خانه جشنواره، با پخش «بیرو» در سالن اصلی، فجر چهلم رسماً آغاز شد. سالن سعدی به عنوان محل برگزاری نشست خبری آثار طراحی شده بود. تصمیمی که اعتراض اهالی رسانه و هنرمندان را در پی داشت. عدم تهویه مناسب و فضای کوچک که محدودیت فعالیت عکاسان را نیز به دنبال داشت، با اعتراض گسترده اهالی رسانه به تغییر محل برگزاری در روز دوم منجر شد.

در نشست فیلم «مردبازنده» پس از اعتراض شدید یکی از عکاسان حاضر در نشست، جواد عزتی بابت شرایط نامساعد و محدودیت فضای پوشش خبری عذرخواهی کرد و گفت: هیچ کارگردان و بازیگری به اهالی رسانه ارجحیت ندارد؛ اصولاً اهل گلایه نیستیم اما هر شخص که دارای کارت جشنواره است باید بتواند فیلم‌ها را تماشا کند. اگر تعداد کارت‌ها زیاد و ظرفیت سالن کم است، دست‌اندر کاران باید راهکاری برای آن پیدا کنند.

کیفیت نامطلوب صدای سالن اصلی اعتراض محمدحسین مهدویان کارگردان «مردبازنده» را به دنبال داشت. او در نشست خبری نسبت به صدای سالن پخش فیلم این‌طور واکنش نشان داد: برج میلاد محل جالبی برای برگزاری جشنواره است، اما اصلاً سالن استاندارد ندارد. صدا و پرده اصلاً خوب نیست و سالهاست این مشکل‌ها پابرجاست، اما کسی به آن توجه نمی‌کند.

بیرو، هیاهو برای هیچ!

تنها فیلم ورزشی فجر در میوس‌کننده‌ترین شکل به افتتاحیه فیلم فجر رسید. اثری که علی‌رغم پرداختن به زندگی علیرضا بیرانوند دروازه‌بان تیم ملی در روایت، ضعیف ظاهر شد.

مرتضی عباس‌علی میرزایی، درباره نظر بیرانوند درباره فیلم، در نشست گفت: چون خوشش آمده بود، اکران شده؛ قرار بود اگر «بیرانوند» از فیلم راضی نبود فیلم ما، به فجر نرود، وزیر ورزش و جوانان زهره کودایی دروازه‌بان تیم ملی فوتبال بانوان برای تماشای بیرو در کاخ جشنواره حاضر شدند.

روز سوم، برف آخر - لایه‌های دروغ

از یک سو تخصصی شدن سوالات و سطح نشست خبری «برف آخر» و از سوی دیگر نگاه انتقادی تند برخی از خبرنگاران به «لایه‌های دروغ» باعث شد تا اهالی رسانه و منتقدان روز متفاوتی را تجربه کنند. در ادامه این انتقادات درگیری فردی داخل سالن اصلی با یک عکاس سوژه رسانه‌ها شد.

حواشی ایجاد شده در نشست «برف آخر» و عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی لادن مستوفی، بازیگر این فیلم حساسی خبرساز شد. با وجود تمام اعتراضات و تذکره‌های بسیار به مستوفی او دقایقی تا انتها بدون ماسک در نشست حاضر بود. علت غیبت احسان علیخانی که خود سرمایه‌گذار «برف آخر»

بود، مشغله کاری اعلام شد.

واکنش رامین سهراب، کارگردان «لایه‌های دروغ» به خنده حضاران در سالن در خصوص فیلمش در نشست خبری جالب توجه بود. او خطاب به خبرنگاران حاضر در سالن گفت: اجازه بدهید کارم را بکنم!



روز دوم، علفزار - شادروان

در روز دوم به ترتیب فیلم‌های «علفزار» و «شادروان» اکران شدند.

حضور رضا رویگری در نشست «شادروان» پس از یک غیبت طولانی خبرساز شد و این بازیگر به همراه سایر عوامل پاسخگوی سوالات خبرنگاران بود.

صراحت کلام چند خبرنگار در نقدهای تند نسبت به مضمون فیلم، نشست «شادروان» را در مسیر تازه‌ای قرار داد.

«علفزار» را می‌توان پدیده فجر دانست؛ اثری که پس از فتوکال با تأخیری ۱۵ دقیقه‌ای در سالن اصلی به نمایش درآمد. فیلم اول کاظم دانشی با توجه گسترده منتقدان و اهالی رسانه همراه بود. از نکات جالب توجه روز دوم تغییر محل نشست از سالن سعدی به سالن اصلی پخش فیلم‌ها بود. اتفاقی که با استقبال اصحاب رسانه همراه بود.

